

آیین‌های غنایی در شاهنامه

دکتر ابراهیم رضائی

www.ketab.ir



انتشارات دیباجه

سرشناسه	:	رضایی، ابراهیم، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور	:	آیین‌های غنایی در شاهنامه/ ابراهیم رضایی.
مشخصات نشر	:	کرمانشاه: دیپاچه، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	:	۱۴۹ ص.
شابک	:	978-622-6281-01-0
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
موضوع	:	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۴۱۶ ق. شاهنامه -- نقد و تفسیر
موضوع	:	Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh -- Criticism and interpretation
موضوع	:	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۴۱۶ ق. شاهنامه -- موسیقی
موضوع	:	Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh-- Music
موضوع	:	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۴۱۶ ق. شاهنامه -- بزم
موضوع	:	Ferdowsi, Abolqasem . Shahnameh --*Bazm
موضوع	:	شعر فارسی -- قرن ۴ق. -- تاریخ و نقد
موضوع	:	Persian poetry -- 10th century -- History and criticism
موضوع	:	بزم در ادبیات
موضوع	:	Bazm in literature*
موضوع	:	شعر غنایی -- تاریخ و نقد
موضوع	:	Lyric poetry -- History and criticism
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۷ / ۶۱۹ / ۴۴۹۵ pir
رده بندی دیویی	:	۸۶۱ / ۲۱
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۳۶۳۸۱



آیین‌های غنایی در شاهنامه

مؤلف: ابراهیم رضایی

ناشر: دیپاچه

طراح جلد: مریم میرزایی

چاپ و صحافی و لیتوگرافی: غفور

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

فهرست

عنوان	صفحه
..... مقدمه	۹
..... ادب غنایی و تفاوت آن با حماسه	۱۳
..... فصل اول: کلیاتی پیرامون مفهوم رزم و ویژگی‌های هر کدام	۲۱
..... بزم و رزم از نظر لغوی و اصطلاحی	۲۳
..... ویژگی‌های بزم و تفاوت آن با رزم	۲۵
..... الف - بزم درون گراست	۲۵
..... ب - تفاوت موسیقی رزم و بزم	۲۷
..... ج - بزم خلوت جو و متناسب با گوشه‌گیری و انزوا است	۳۱
..... شب‌نشینی و بزم	۳۲
..... ظرافت وسایل بزم و خشن بودن آلات رزم	۳۴
..... آیین مربوط به جشن‌ها و آذین‌بندیها در شاهنامه	۳۶
..... الف - آیین به تخت نشستن و تاج‌گذاری شاهان	۳۶
..... ب - آیین‌های عروسی	۳۷
..... ج - آیین خلعت بخشی	۳۸
..... د - آیین آذین‌بندیها و استقبال از شاه و پهلوانان	۳۹
..... موسیقی جنگ	۴۴

فصل دوم: بزم و اشخاص و لوازم اصلی آن	۵۱
زن و نقش موثر او در مجالس بزم	۵۳
زن در شاهنامه	۵۶
شراب و تاریخچه‌ی پیدایش آن	۶۱
شراب نوشی به یاد بزرگان	۶۴
چَرعه فشانی بر خاک	۶۶
کشتن بهرام شیران را و بازداشتن مردم از خوردن شراب	۶۸
داستان بودک کفشگر با شیر و باز حلال ساختن بهرام گور می را	۶۹
شراب در شاهنامه	۷۱
آیین میگزاری	۷۶

فصل سوم: مکان‌های انجم بزم	۸۱
بوستان، گلستان، چمن، جنگل، نخجیر؟	۸۳
بزم در خانه‌ی رعیت	۸۸
الف - داستان لنبک آبکش و براهام	۸۸
ب - رفتن بهرام از راه نخجیر به خانه‌ی بازرگانی و آشوش برگشتن از او	۹۰
ج - به زنی گرفتن بهرام دختران دهقان آسیابان را	۹۰
د - رفتن بهرام گور به نخجیر و خواستن دختران برزی دهقان	۹۱
ه - بزم بهرام در خانه‌ی پیرزن	۹۳
و - خسرو پرویز در رباط سکوبا و مطران	۹۴

فصل چهارم: متعلقات بزم	۹۷
بوی خوش	۹۹
عود و عنبر	۱۰۱
مشک و عنبر	۱۰۲

۱۰۳	کافور
۱۰۴	مشک
۱۰۷	استفاده از بوی خوش در سوگ بزرگان
۱۱۰	پرنیان، دیبا، موی سمور
۱۱۳	فصل پنجم: بازیهای بزمی
۱۱۵	چوگان بازی
۱۱۶	الف - بازی چوگان در قابوسنامه
۱۱۶	ب - شاهنامه و بازی چوگان
۱۱۹	نخجیر
۱۱۹	الف - نخجیر و آیین آن در نظر نصرالدین
۱۲۱	ب - رفتن افراسیاب و سیاوش به ستار
۱۲۱	ج - هنر نمودن بهرام گور به نخجیر
۱۲۲	د - نمونه‌هایی دیگر از شاهنامه
۱۲۵	چگونگی پیدایش شطرنج
۱۲۷	فصل ششم: آیین ازدواج و خواستگاری
۱۲۹	زناشویی و خانواده در شاهنامه
۱۴۵	سخن پایانی
۱۴۸	فهرست مآخذ

مقدمه

در زبان فارسی چند کتاب وجود دارد که طی قرن‌ها قوت روان قوم ایرانی بوده است. یکی از آنها، شاید برتر از همه‌ی آنها شاهنامه‌ی فردوسی است. پیوند مردم با سواد و حتی کم سواد ایران با آثار بزرگ ادبی خود پیوندی مستمر و همراه با ارادت و اعتقاد بوده است. تنها در دوران ماست که این پیوند رسته و گریخته و دنباله‌رو غرب شده است و ریشه‌های مردم آن در زندگی روز بروز مستتر می‌شود. نیاز ما به تسلی و به اتکا بر سرمایه‌های معنوی خویش از همیشه افزون‌تر است. یکی از اشتباهات ما و همه‌ی مردم تجدید زده‌ی دنیا این است که تصور می‌کنیم زندگی را ما کشف کردیم. هرگز نگذشتگان ما مثلاً تلویزیون و دیگ زودپز نداشته‌اند. معنی زندگی را نمی‌فهمیده‌اند که چیست. جانیان را بدبختی بودند که روزی به دنیا می‌آمدند و روزی از دنیا می‌رفتند. بی‌آنکه بدانند از کجا می‌روند. غرور بی‌جهتی که مردم مرفه زمان ما چون باشندگان باغ‌وحش شده‌اند که همه‌ی اسباب خود و خواب و آشایش برایشان فراهم است، اما به هر سو روی می‌برند تنش به سینه‌ای فلزی قفس می‌خورد.

شاهنامه یکی از کتاب‌هایی است که می‌تواند در این گم‌گشتی به یاری نسل سرگردان کنونی بیاید و روح و مغز ملت‌هپ او را مایه‌ی تسکین و تنبیه باشد. این کتاب دارای چهار خصیصه‌ی مهم است: یکی آنکه سند قومیت و نسب‌نامه‌ی مردم ایران است. ریشه‌های آن را تا گذشته‌های افسانه‌ای می‌گسترده و پنجره‌ی این ملک را بر روی افق پهن‌آور زمان می‌گشاید. دوم آنکه شاهنامه عصاره و چکیده‌ی تمدن و فرهنگ قوم ایرانی است. ما هیچ کتاب دیگری نداریم که طیش‌های قلب ایران قدیم را به این روشنی و دقت در خود ثبت کرده باشد. شاهنامه هر چند آمیخته به افسانه باشد، ارزش آن برای شناسایی ایران باستان از تاریخ بیشتر است. سوم آنکه شاهنامه یک کتاب انسانی است نه تنها حماسه‌ی ساکنان ایران بلکه حماسه‌ی بشر پویانده را می‌سراید که با سرنوشت قهار دست و پنجه‌نرک می‌کند. رنج می‌کشد و می‌کوشد تا معنی و

حیثیتی در زندگی خاکی خود بگذارد. شاهنامه مانند هر کتاب بزرگ دیگری، از یک سو تعارض و از سوی دیگر تعادل بین جسم و روح را می‌سراید. تعارض به این معنی که بشر پای بند وضع محدود خاکی خویش است به جسم آسیب‌پذیر و اسیر خویش وابسته است. فرسوده و درمانده می‌شود، علیل می‌گردد و می‌میرد.

چهارم آنکه شاهنامه یک اثر ادبی بی‌نظیر است. شاید تعداد کتاب‌هایی که به این ارزش و عظمت باشند، در سراسر ادبیات جهان به ده نرسد. زیبایی و ابهت کلام فردوسی و بلندی فکر او، حد نهایی توانایی بشر را در سخن گفتن می‌نماید. شاهنامه مانند نور آفتاب بر بی‌سواد و باسود بر قدر شاهان و قهوه‌خانه‌های محقر یکسان تابیده است. و شاید تنها کتابی در زبان فارسی باشد که نتوان آنرا بی‌آنکه اشک در دیده بگردد.

آنچه دربارهٔ سرودن شاهنامه استنباط می‌شود و می‌توان به صحتش یقین داشت این است که وی در سال ۳۲۱ یا ۳۳۰ در طوس بدنیا آمده، یکی از نجیب‌زادگان طوس و از خود دارای املاک و اموالی بوده. با توجه به نزدیک به دو ثلث عمر خود را در رفاه نسبی گذرانده است در حالی که هنوز جوان بوده (بین سی و پنج و چهل ساله) پس از مرگ ناگهانی دقیقی که کار گشتاسب‌نامه‌اش ناقص بوده، با اندیشه‌ی سرودن شاهنامه افتاده است.^۱

اما در مورد رسالهٔ حاضر، در تابستان سال ۵ در جلسه‌ی پایان‌نامه‌ی تحصیلی یکی از دوستان شرکت داشتم که عنوان رساله‌ی ایشان آیین جنگ در شاهنامه ذکر گردید. ایشان به تفصیل پیرامون جنگ و نبرد و چگونگی آمادگی پهلوانان در شاهنامه مطالبی بیان نمودند. در همان جلسه این مطلب به ذهنم آمد که شاهنامه تنها کتاب جنگ و رجز نیست. این کتاب آمل و آرزوها و خواسته‌های قوم ایرانی را در خود جای داده که نه تنها شامل جنگ بلکه در تمام ابعاد حرف نخست را می‌زند. به زعم نگارنده - بنابراین بزم و مجلس‌ارایی و مهمان‌نوازی، جشن‌ها و رسوم موجود در این مجالس نیز در خور اهمیت و مذاقه‌ی نظر است. بیشتر پهلوانان همانگونه که در صحنه‌های نبرد از خود دلیری، شجاعت و تهور و بی‌باکی نشان می‌دهند در بزم و مجلس مهمانی نیز دارای ویژگی‌هایی منحصر به فرد و یگانه‌ای هستند.

شراب‌خوری و به سلامتی یکدیگر و گاه پادشاه نوش کردن رسمی دیرین بوده است.

۱ - محمد دبیر سیاقی، زندگی‌نامه‌ی فردوسی و سرگذشت شاهنامه، ص ۱۵۰.

چگونگی و ترتیب نشستن پهلوانان در هنگام بحث و یا در موقع صرف غذا خود آیین ویژه‌ای دارد. چنانکه در رزم رستم و اسفندیار هنگامیکه اسفندیار، رستم را به سفره نمی‌خواند و پس از گذشت مدت زمانی رستم خود به سراغ اسفندیار می‌آید. اسفندیار پهلوان شجاع نیمروز را در دست چپ خود می‌نشانند. رستم از این عمل رنجیده خاطر می‌شود.

بدست چپ خویش بر جای کرد	ز رستم همی مجلس آرای کرد
جهان دیده گفت این نه جای من است	به جایی نشینم که رای من است
به بهمن بفرمود کز دست راست	نشستی بیارای از آن کم سزاست
چندین گشت با شاه زاده به خشم	که آیین من بین و بگشای چشم
هنر بین و این نامور گوهرم	که از تخمهی سام گند آورم
از آن پسر بفرمود فرزند شاه	که کرسی زرین نهد پیش گاه
بدان تا گر سام را پهلوان	نشیند بر شهریار جوان
بیامد بر آن کرسی نشست	پر از خشم بویا ترنجی به دست

ص ۱۴۳۹

رستم پهلوان ایرانی در خوردن شراب نیز به معنی واقعی رشد یافته که فردوسی انتظار دارد. باز در همان داستان پس از آنکه مشابرات لفظی رستم و اسفندیار به پایان می‌رسد نوبت به خوردن غذا و شراب است.

چنین پاسخ آوردش اسفندیار	کدخدا بیشی نیاید به کار
شکم گرسنه، روز نیمی گذشت	ز گفتار پیکار بسیار گشت
بیارید چیزی که دارید خوان	کسی را که بسار گدازد خوان
چو بنهاد، رستم به خوردن گرفت	بماند اندر آن خوردن در شگفت
یل اسفندیار و گوان یکسره	ز هر سو نهادند پیشش بره
بفرمود مهتر که جام آورید	به جای می پخته خام آورید
بینیم تا رستم اکنون ز می	چو گوید چه آرد ز کاووس کی
بیاورد یک جام می میگسار	که کشتی بکردی بر و بر گذار
بیاد شهنشاه رستم بخورد	بر آورد از آن چشمه‌ی زردگرد

ص ۱۴۴۹

کلیه‌ای ابیاتی که در این کتاب به عنوان مثال و شاهد ذکر شده از شاهنامه‌ی فردوسی به کوشش آقای دبیری سیاقی می‌باشد که در پنج جلد منتشر شده و صفحات آن مسلسل است. لذا با توجه به شماره‌ی صفحه پیدا کردن بیت مورد نظر آسان می‌باشد. و از ذکر شماره‌ی جلد خودداری شده است.

www.ketab.ir